ادامه از صفحه اول

قضاوت سیاسیون و مردم درباره کارنامه روحانی

بنابراین تفکر «بازگشت تدبیر و اعتدال به عرصه تصمیم‌گیری کشور»، پایه و اساس اتحاد اصلاح‌طلبان با روحانی در سیاست داخلی و خارجی بوده و بدون تردید تا زمانی که اقدامات دولت در راستای نهادینه‌کردن اعتدال در امور سیاسی است، این اتحاد به قوت خود باقی خواهد ماند. اتحاد اصلاح‌طلبان با روحانی در جریان انتخابات مجلس دهم عمیق‌تر شد که نتیجه عینی آن تصمیم گروه‌ها و شخصیت‌های اصلاح‌طلب برای ایجاد جبهه مشترک انتخاباتی با عنوان «لیست امید» بود. در طول دوران سه‌ساله کابینه روحانی، اصلاح‌طلبان به تأسی از راهبردی که رئیس‌جمهور دوران اصلاحات اعلام کرد به سمت سهم‌خواهی از کابینه نرفتند. اکنون نیز به نظر می‌آید با آنکه این جریان نسبت به عملکرد برخی مدیریت‌های دولت انتقاد دارد، اما آشکارا اعلام کرده است نسبت به عملکرد سه‌ساله دولت نگاه مثبت دارد. این نکته را بزرگان اصلاحات و نیز تئوریسین‌های آن مثل حجاریان، علیخانی، نوبری... رسما اعلام کرده‌اند. بنابراین کارنامه روحانی در منظر جریان اصلاحات نمره قبولی می‌گیرد و می‌توان انتظار داشت گزینه اصلی این جریان در انتخابات بهار ۹۶ همچنان روحانی خواهد بود.

۲- اصولگرایان میانه‌رو و اعتدالی: در میان چهره‌هایی که به‌عنوان رقیب روحانی در میدان انتخابات ۹۶ حاضر شدند، طیف میانه‌روها شاخص‌تر بودند. جریانی که به‌عنوان لایه سنتی اصولگرا شناخته می‌شود و به رقابت و مبارزه انتخاباتی در چارچوب مردم‌سالاری دینی اعتقاد دارد. این طیف با آنکه در انتخابات ۹۲ کاندیدایی مشخص در رقابت با روحانی داشت (دکتر علی‌اکبر ولایتی) اما بعد از پیروزی، حضور دکتر روحانی در رأس دولت را خوشامد گفت. در سه سال دوران زمامداری روحانی، عوامل زیادی دست‌به‌دست هم داد تا طیف اصولگرایان میانه‌رو ارتباط و تعامل خویش با روحانی را حفظ کند؛ اول اینکه رئیس‌جمهور دوران اعتدال بلافاصله بعد از پیروزی در انتخابات آرائجکاه در سفرهای استانی، ارتباط غالبا یک‌طرفه است و این دولتمردان برای همکاری و جذب این جریان گام برداشت. روحانی با فراخناحی معرفی‌کردن دولت خویش و نیز گنجاندن شماری از چهره‌های معتدل اصولگرا در کابینه، رسما در جهت تشکیل ائتلاف مشترک با این جناح گام برداشت به گونه‌ای که در کابینه روحانی شماری از وزیران و مدیران ارشد شناسنامه‌دار اصولگرا حضور دارند.

عامل دوم، تجربه تلخ دولت‌های نهم و دهم است؛ دورانی که قدرت‌گرفتن طیف چوان و تندرو اصولگرا به انزوا و تخریب سرمایه‌های اصولگرایان کشورمان از حجت‌الاسلام ناطق‌نوری گرفته تا دکتر لاریجانی منجر شد. در نظر برخی بزرگان جریان اصولگرا، دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد اشتباهی استراتژیک در تجربه سیاست‌ورزی این جریان بود که تحت هیچ شرایطی نباید تکرار شود. دراین‌میان حوادث مهم دیگر در سه سال اخیر به‌ویژه توافق هسته‌ای با برجام و تندروی‌های طیف جوان اصولگرا باعث نزدیکی بیشتر این طیف به روحانی شد. تاجایی‌که در انتخابات اسفند ۹۴ این طیف وارد ائتلاف رسمی با فهرست حامیان دولت شد که نتیجه آن شکست قطعی فهرست پایداری و جمعیت ایثارگران و تغییر اکثریت مجلس به نفع معتدلین شد.

در حال حاضر جریان اصولگرا معتقد است زیربوم‌های مهمی مثل مجلس، مجمع تشخیص و برخی از نهادهای سیاسی را در دست دارد. در نگاه این جریان نیز دولت روحانی کارنامه‌ای مثبت از خود برجای گذاشته است، کماینکه سخنگویان این جریان به صورت صریح، عملکرد اقتصادی و حوزه دیپلماسی دولت را تأیید می‌کنند و می‌توان انتظار داشت احزاب سیاسی این جریان در انتخابات آینده نیز تکرار شود.

۳- فاصله‌ای اصلی جریان: جریان مخالف دولت در یک جبهه سیاسی - ایدئولوژیک سیاسی قرار گرفته است، گروهی که از ابتدا بنای ناسازگاری روحانی، نه تا به امروز نیز با همین شدت ادامه دارد. ۲۹ علیه دولت در عرصه‌های مختلف سرگرم مبارزه است. حکایت مقابله‌جویی این جریان با سیاست‌های دولت در سه حوزه سیاست، فرهنگ و اقتصاد درواقع سرفصل حوادث نوظهوری است که جامعه ایران در این از چهار ۲ تاکنون پشت‌سر گذاشته است. این جریان که با نقد روحانی، بلکه همه گفتمان میانه‌رو اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب را رقیب می‌کند. گروه پایداری در مرکز و محور این جریان است که با کاندیدا و شعار مشترک در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس حاضر شد. به قطب‌بندی ایدئولوژیک در صحنه سیاست بسیار دور شده است. این جریان نیز با شعار «دو قطب سازش و انقلابی به صحنه آمد. ایمن طیف که مدت هشت سال در دوران دولت‌های نهم و دهم قدرت را در دست داشت، با وجود ناکامی در انتخابات سال ۹۲ همچنان خود را نماد انقلابی‌گری و جریان مقابل را نماد غیرگرایی معرفی می‌کند. به همین هشت سال تسلط بر اقتصاد به‌ویژه درآمدهای افسانه‌ای نفت، این جریان دارای نفوذ با امکانات مالی و سازمانی گسترده است. طبیعی است در میدان داوری، این جریان با نگاه حمایت و حذف دوران ماه را می‌بینند از آنجا که همه توان خود برای تخریب پایگاه اجتماعی دولت در داخل و خارج بهره کیرد کماینکه امسروز مبارزه انتخاباتی خود علیه روحانی را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سازمان داده است. محور اصلی استراتژی این جریان زیرسؤال‌بردن برجسام و بی‌فایده نشان‌دادن آن. «امرزن» در نارضایتی و بدبینی مردم به آینده اقتصادی و تلاش برای تردیدافکنی در میان ناخبان داخل و سرمایه‌گذاران خارج نسبت به همراهی با دولت روحانی است.

اما از قضاوت و نگاه جریان‌های سیاسی که بگذریم، سؤال اصلی اینجا است که به‌راستی اکثریت جامعه ایران درباره راه سه‌ساله دولت روحانی چگونه می‌اندیشند. آیا آن‌گونه که جبهه مخالفان تندرو دولت فکر می‌کنند و مدعی می‌شوند، بخشی از جامعه نسبت به موفقیت دولت دچار تردید شده‌اند؟

واقعیت این است که در فضای سیاسی ایران که هنوز تجزیه شکل نگرفته است، قهیمیدن رأی و نظر مردم درباره عملکرد نهادهای قدرت دشواری‌های خاص خود را دارد. اتفاقا جبهه مخالف دولت از همین سیال‌بودن فضای افکار عمومی بیشترین بهره را برای تاختوتاز سیاسی علیه دولت می‌کنند و حرف‌ها و مواضع خود را با مهر و نشان مردم القا می‌کنند. با این حال، برای فهمیدن نظر مردم در عرصه سیاست دو معیار صندوق‌های رأی و نیز نظرسنجی‌های علمی راهگشاست. وقایع اسفند ماه ۹۴ که از آن به‌عنوان رفراندومی درباره برجام و عملکرد روحانی یاد شد، تا حدی نگاه مردم را روشن کرد. در انتخابات اسفند ۹۴ اکثریت مردم «نه» آشکار به طیف مخالفان تندرو دولت گفتند و در نظرسنجی‌هایی که در روزهای اخیر نتیجه آن روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت، روشن شد با وجود همه تبلیغات مخالفان در آغاز چهارمین سال زمامداری روحانی، اکثریت جامعه از اندیشه‌های دولت به‌ویژه در سیاست خارجی و گشایش‌های فرهنگی و سیاسی حمایت می‌کنند و خواهان پیاده‌شدن برنامه روحانی برای سرمایه‌گذاری خارجی و گشایش تجارت و رونق بازار در حوزه اقتصاد هستند.

ابراهیم امینی، مصطفی درایتی و شهربانو امانی در گفت‌وگو با «شرق» بیان کردند

بایدها و نبایدهای رابطه روحانی و مردم در سال آخر

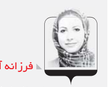

فرزانه آئینی

مدتی است برخی نقل‌ها مثل اینکه «حسن روحانی، رئیس‌جمهور یک‌دوره‌ای است»، یا «اصلاح‌طلبان و دولت با هم اختلافات جدی دارند»، «روحانی دیگر کاندیدای اصلاح‌طلبان نیست» و... در کانال‌های خاص جریان اصولگرا دست‌به‌دست می‌شوند. اینکه «چرا جمعی سعی می‌کنند ماه‌های پایانی عمر دولت یازدهم را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو کنند؟» سؤالی است که مدام تحلیلگران سیاسی به‌ویژه چهره‌های اصلاح‌طلب درباره آن به صحبت نشسته‌اند. با وجود شفاف‌سازی حامیان اصلاح‌طلب و مستقل حسن روحانی و دولتش، اما نیم رسانه‌ای و مشاوران و معاونان رسانه‌ای دولت آن‌طور که باید و شاید میدان‌داری نکرده‌اند. آنها نوبت نقش‌آفرینی‌شان را یا به سکوت گذرانده‌اند یا خیلی در لفافه آمده‌اند و موج تخریبی را که علیه دولت‌شان است، پاسخ گفته‌اند.

این سکوت بعضا به غفلت روحانی از سیاست داخلی کشور تعبیر شده است؛ چراکه تندروها با انتقادات مکررشان و تریبون‌های ویژه و پررسوصدایی که در اختیار دارند، موفق شده‌اند بخشی از افکار عمومی را به سمت خودشان متوجه کنند که بخشی از آن می‌تواند فقدان سامانه اطلاع‌رسانی به‌روز و قوی دولت باشد و دلیل دوم هم انفعال دولت در مسائل اقتصادی و معیشتی مردم است. این در حالی است که جریان معتدل جناح راست جنجال‌آفرینی‌های تندروهای اصولگرا را به‌خوبی شناخته است به همین دلیل هم این جمع شانسی نزد عقلای اردوگاه جناح اصولگرا ندارند. البته این به این معنا نیست که روحانی برای رأی‌آوری در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ مانعی ندارد و همه‌چیز برای او مهیاست؛ چراکه صاحب‌نظران همواره تاکید می‌کنند جامعه ایران جامعه‌ای قابل پیش‌بینی نیست؛ جامعه‌ای است با مختصات خاص خودش که هیچ‌گاه نمی‌شود در مورد آن با قاطعیت پیش‌بینی کرد. به همین دلیل هم به روحانی توصیه می‌شود اگر می‌خواهد همچنان ریاست‌جمهوری را در اختیار داشته باشد، باید به برخی امور داخلی کشور که از او انتظار می‌رفت انجام دهد؛ اما همچنان مغفول مانده است، بپردازد؛ مثلا اینکه باید برخی مهره‌های دولتش را از چند نفر از مدیران عالی عاری گرفته تا مدیران میانی شهرها و استان‌ها که یادگار دولت قبلی هستند، تغییر دهد.

مزید بر اینها مواردی مانند ماجرای فیش‌های حقوقی نجومی هم موضوعی است که هرچند ریشه در دولت قبل از او دارد، اما حالا دامن دولت او را گرفته است در همین راستا هم جمعی از تحلیلگران سیاسی این موضوع را با ماجراهای دولت اصلاحات مقایسه می‌کنند و به رئیس دولت یازدهم پیشنهاد می‌کنند او باید مانند رئیس دولت اصلاحات ایستادگی می‌کرد و قدمی عقب‌نشینی نکرد، بیاید خیلی صریح و قاطع‌تر در قبال ماجرای فیش‌های حقوقی بایستد و از این دام برای خود موقعیت بی‌بدیلی بیافریند. از سوی دیگر نیز با توجه به اینکه مردم واقعا با مشکلات معیشتی بزرگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این دو عامل (مشکلات معیشتی، در کنار تبلیغات بدون حد و مرز مخالفان دولت) سبب آسیب‌دیدن پشتوانه اجتماعی روحانی خواهد شد. در همین راستا باید با نبادهای دولتمردان و شخص رئیس‌جمهور در ماه‌های پایانی عمر دولت یازدهم برای مدیریت فضای سیاست داخلی کشور را با ابراهیم امینی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و نماینده مجلس ششم شورای اسلامی، مصطفی درایتی، معلم اخلاق دولت اصلاحات و فعال سیاسی و شهربانو امانی، عضو مجمع نمایندگان ادوار مجلس در میان گذاشتیم.

دولت از احزاب موافقش بهره ببرد

مصطفی درایتی . فعال سیاسی اصلاح‌طلب

مهم‌ترین کاری که دولت یازدهم برای سامان‌دادن آن باید جارچوبی کند، حفظ ارتباط با مردم است و دولت نباید اجازه دهد ذهنیت مردم درباره حسن روحانی و مدیرانش تغییر کند. دولت باید فکری جدی برای ارتباط با بدنه اجتماعی‌اش بکند؛ آن هم دولت‌هایی مانند دولت یازدهم که براساس مطالبات مردم شکل می‌گیرند. متاسفانه ارتباط دولت با بدنه اجتماعی‌اش ضعیف است. شاید دولتمردان بگویند حسن روحانی در سفرهای استانی‌اش دنبال ارتباط با بدنه اجتماعی است؛ اما به عقیده من آرائجکاه در سفرهای استانی، ارتباط غالبا یک‌طرفه است و این دولتمردان هستند که بیشتر بهره می‌برند. نمی‌توان آن را مثبت دانست؛ چراکه واقعا آن انتظاری که مردم از دولتمردان دارند در این سفرهای پر آورده نمی‌شود. دولتمردان وظیفه دارند این ارتباط را بازسازی کنند و برای رفع شکافی که بین مردم و دولت ایجاد شده، جارچوبی کنند. به عقیده من احزاب و گروه‌های سیاسی، حلقه وصل دولت‌ها و مدیران با مردم هستند، برای اینکه دولت بتواند از این ارتباط بهره ببرد. باید احزاب و گروه‌های سیاسی را تقویت کند تا ارتباط مردم با مدیران سطح اول و دوم دولت، دوطرفه و ملموس‌تر باشد. دولت برای برقراری ارتباط مثبت با بدنه اجتماعی‌اش باید اقدامی مثبت انجام دهد و به مردم نشان دهد بر سر وعده‌هایش هست و خود را همچنان برخواسته از حضور مردم می‌داند و به این حضور نیاز دارد. همچنین ازآنجاکه رقبای دولت رسانه‌های تأثیرگذار بیشتری در اختیار دارند و همان‌طورکه رئیس‌جمهور بارها گلایه کرده، تریبون‌های بزرگ و تأثیرگذار در اختیار رقبای دولت است؛ دولت باید رسانه‌های حامی و هوادارش را از روزنامه و خبرگزاری‌ها گرفته تا سایت‌های خبری، تقویت کند تا در این رقابت میدان را به فضاسازی رقیبانی نبازد. نکته دیگر این باید دنبال یک عدالت جدی در زمینه اطلاع‌رسانی باشد. نکته دیگر این است مردم واقعیت‌های جامعه را می‌دانند و شرایط روحانی را در رأس دولت رصد می‌کنند. در یک سال و نیم اخیر بحث یک‌دوره‌ای‌شدن دوره روحانی را از طریق برخی رسانه‌های دولایس شنیده‌ایم؛ اما به نظر من، هم جامعه هم جریان عاقل کشور که دایره گسترده‌ای پیدا کرده است و نیروهای اصلاح‌طلب هم نیست، از حضور روحانی حمایت می‌کنند. مردم خوب می‌دانند جریانی که هشت سال از ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد حمایت کرد تا دکتر لاریجانی حضور خودش را در عرصه سیاست ایران فراهم کند و از نان‌وهای این هشت سال بهره ببرد، طبیعتا از یک‌دوره‌ای‌شدن روحانی سود می‌برد؛ چون احساس می‌کنند روحانی با همه توان و اختیاراتی که در دست دارد، تلاش می‌کند این سفره را جمع کند. اگر این دوره چهار ساله ریاست‌جمهوری روحانی، هشت سال شود؛ طبیعتا افرادی که سفره‌هایشان در این چهار سال جمع شده بود، باز چیزی عایدشان نخواهد شد؛ اما من بر این باورم این اتفاق نخواهد افتاد و روحانی مجددا در سکان‌داری قوه مجریه حاکی خواهد گرفت.

دشواری‌های راه حسن روحانی

شهربانو امانی . نماینده ادوار مجلس

دولت یازدهم در سه سال گذشته اقدامات بزرگی انجام داده و به موفقیت‌های درخور توجهی در زمینه‌های مختلف، اعم از مسائل داخلی و خارجی دست یافته است. هرچند انتظارات جامعه فراتر از این بوده و به بخشی از وعده‌ها و مطالبات، جامه عمل پوشانده نشده است؛ اما تحقق‌نیافتن این وعده‌ها بیش از هر موضوعی، به دلیل محدودیت‌هایی است که در کشور بوده و موانعی برای دولت و رئیس‌جمهور ایجاد کرده است. در کنار این مسائل، اختیاراتی که قانون برای رئیس‌جمهوری مشخص کرده، با دخالت‌هایی که خارج از دولت در کار این نهاد صورت می‌گیرد، مزید بر علت است. در مجموع، روحانی نهایت تلاش خود را به‌کار بسته تا مشکلات کشور مرتفع شود. اما از دولت تدبیر و امید انتظار می‌رود در سال پایانی دولت، گام‌های بلند دیگری بردارد که این مسئله، زمینه جذب منتقدان دولت را فراهم کرده و بهانه را از دست مخالفان گرفته و آنها را ناکام بگذارد. اگر ریاست محترم جمهوری چنین شرایطی را به وجود آورد، قطعا در سال ۹۶ پیروز میدان خواهد بود.

از سوی دیگر نیز معتقدم محمود احمدی‌نژاد یا چهره‌ای مشابه او، نمی‌تواند رقیبی برای حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ باشد؛ چراکه بازگشت او کاملا بعید است. به همین دلیل هم من فکر می‌کنم، تنها خطری که دولت روحانی را تهدید می‌کند، رکود اقتصادی و تامین نظر مردم در مباحث معیشتی و اقتصادی است. روحانی و تیمش باید نظر مردم را درباره اوضاع معیشتی تامین کنند و به آنها نشان دهند بهبود اوضاع معیشتی و اقتصادی مردم، در اولویت‌های کاریشان است.

اکثریت مردم کشور خوشبختانه متوجه شده‌اند سیاست‌های احمدی‌نژاد و چهره‌های شبیه به او، هزینه‌های سنگینی به زندگی‌شان تحمیل کرده است. به همین‌دلیل من معتقدم اکثریت مردم دیگر فریب احمدی‌نژاد را نخواهند خورد؛ چراکه مردم بسیار آگاه‌تر و هوشیارتر از آن هستند که احمدی‌نژاد و مشاوران تصور می‌کنند. این در حالی است که احمدی‌نژاد فکر می‌کند با چند شعار و افرادی که دورش هستند، می‌تواند باز هم شانس حضور را در صحنه سیاسی کشور داشته باشد؛ اما نمی‌داند که هنوز هم مردم اختلاس‌های میلیاردی دولتمردانش و کارهای نسنجیده خود او را به‌خوبی در خاطر دارند. من تردید دارم فردی با سابقه مدیریتی احمدی‌نژاد و تمام پرونده‌های مفتوحی که خوش و نردبانکش در دستگاه قضائی کشور دارند، بتواند از فیلتر نظارتی عبور کند. درنهایت اینکه فکر می‌کنم در مقابل سنگ‌اندازی‌های داخلی، ملت باید آگاه باشند که خوشبختانه هستند و در مواقع لازم نیز اقدام خودشان را با شرکت در انتخابات و رأی خود، نشان می‌دهند؛ همان‌طورکه در انتخابات اخیر شاهد آن بودیم.

پرچم‌داران دولت روحانی توانمندتر باشند

ابراهیم امینی . استاد دانشگاه و نماینده مجلس ششم

قریب به سه سال و سه ماه از عمر دولت یازدهم سپری می‌شود و در این مدت، دولت دستاوردهای خوبی داشته است که باید مورد توجه قرار داد.

دولت در برخی حوزه‌های کشور به موفقیت‌هایی دست یافت، اما واقعیت این است که مردم باید احساس کنند که دولت در آن مسیری که وعده داده شده گام برمی‌دارد. در همین راستا من عمل‌بین فکر می‌کنم نیروهایی که در حوزه‌های مختلف پرچم‌دار برنامه‌های روحانی هستند می‌توانستند توانمندتر باشند.

می‌دانیم مردم مطالبات جدی در عرصه اقتصادی دارند و با مشکلات زیادی در این حوزه مواجه هستند؛ بنابراین انتظاراتی از دولت داشتند که به نحو مطلوب محقق نشده است. شاید بخشی از دلایل این امر به این موضوع برمی‌گردد که دولت از نیروهای دارای توان لازم استفاده نکرده است. در حوزه سیاسی نیز اگرچه گامی گشایشی به وجود آمده و فعالیت احزاب و تشکل‌های مدنی بسیار بهتر از زمان دولت پیشین است، اما همچنان دولت می‌تواند و باید تلاش کند بسیار بیش از آنچه هست از اختیارات خود برای بهبود این حوزه بهره بگیرد.

نکته مهم و مورد انتظار پشتوانه اجتماعی دولت یازدهم در این ماه‌های پایانی عمر دولت، این است که با رویکرد امن مجلس دهم، حسن روحانی این فرصت را دارد که از نیروهای توانمندتری در کابینه بهره بگیرد. مجلس نهم در تشکیل کابینه دولت روحانی دوازدهم را ایجاد کرده بود.

در سال ۹۵ این امید به وجود آمد که دولت در ساختار کابینه تغییراتی انجام دهد. اکنون مانع برطرف شده است و انتظار این است که آقای روحانی خانه‌تکانی انجام دهد تا هم مردم دلگرم‌تر شوند و با صندوق‌های رأی قهر نکنند و هم عقبه رأی آقای روحانی، یعنی اصلاح‌طلبان بتوانند همچنان بر کاندیداتوری ایشان وفای داشته باشند. توفیق آقای روحانی در دوره دوم، در گرو این دو امر است. ازاین‌رو دولت باید به مطالبات جناح توجه داشته باشد. در جریان مجلس دهم، متاسفانه همراهی دولتی‌ها را با فراکسیون امید شاهد نبودیم. همین مسئله و موفق‌نبودن فراکسیون امید در برخی مسائل، باعث شد مخالفان به‌عنوان برک برنده از اوضاع استفاده کنند.

به‌هرحال برای پیروزی در انتخابات ۹۶ باید انسجامی بین جریان دولت و اصلاح‌طلبان وجود داشته باشد. این انسجام نمی‌تواند جاده‌ای یک‌طرفه باشد، بلکه هر دو طرف باید تلاش کنند به قواعد ائتلاف‌های سیاسی پایبند باشند.

ائتلاف در تمام دنیا چارچوب مشخصی دارد که باید این چارچوب رعایت شود. در غیر این صورت، ائتلاف‌ها نمی‌توانند پایدار باشند.

ادامه از صفحه اول

ارتقای سازمان امور اداری و استخدامی

مسلما هیچ‌کدام از آنها در وضعیت سنّتی و قدیمی خود درجا نمی‌زدند؛ همچنان‌که در مسیر تکامل تاریخی خود نیز چنین نبودند و همراه با تحولات تدریجی و نیاز زمان همواره حرکتی روبه‌جلو داشتند. نه سازمان امور اداری و بودجه در مواجهه با مشکلات امروز جامعه و مهم‌تر از همه مشکل اشتغال‌آفرینی برای انبوه جویندگان کار می‌توانست خود را صرف حل‌وفصل قوانین برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ بداند و نه سازمان امور اداری و استخدامی کشور می‌توانست مانند گذشته و به‌روال سنّتی به تصثیت امور خدمتگزاران دولت بپردازد و خود را صرفا مجری قانون استخدام کشوری مصوب سال ۱۳۴۵ بداند؛ ولی آن ادغام ناپخ و آن انحلال بیرانگر مانند دو صفحه کاری بر پیکر هر دو سازمان فرود آمد و چالش‌های ناخواسته‌ای به بار آورد که فرصت تحول تدریجی را از هر دو آنها گرفت. اکنون بهتر است به آینده بنگریم؛ یعنی به اصلاح شیوه اداره کشور و وحدت مدیریت. تقلیل مشکلات پیش‌رو و به‌ویژه مشکل بی‌کاری که آمار واقعی آن چشم مردم پنهان است؛ ولی درد آن را مردم کاملا احساس می‌کنند. به صراحت باید افراد کرد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با وظایف نامنسجم خود نمی‌توانست پاسخ‌گوی نیاز امروز جامعه و امیدواری مردم باشد؛ زیرا اساسا قانون مدوّنی به‌نام «قانون مدیریت و برنامه‌ریزی» وجود ندارد (به موضوع برنامه در دست بررسی ششم توسعه جداگانه خواهیم پرداخت). وجود یک سازمان برای نظارت راهبردی بر مدیریت منابع انسانی دولت بر پایه دستاوردهای امروز دانش مدیریت و یک سازمان برای تدوین برنامه‌های سالانه و میان‌مدت اداره کشور و نظارت بر اجرای آن درهرحال اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. همان‌گونه که برای مشاغل غیردولتی، قانونی به نام «قانون کار» وجود دارد و وزارتخانه‌ای متولی آن است، مشاغل دولتی نیز به یک قانون مستقل و یک سازمان متولی نیاز دارند و مطالعات تطبیقی در کشورهای دیگر نیز این نظر را اثبات کرده است.

سخنیت وظایف، نخستین اصل سازماندهی است. اگر وظایف این دو سازمان به‌خوبی تفکیک و تدوین و سازماندهی شود، بر بسیاری نارسایی‌ها و دوباره‌کاری‌ها فائق می‌آییم. در این مرحله نکاتی بدون رعایت تقدم و تاخر با تاکید بر اینکه از بود وود کارمند تا پایان عمر وظیفه‌بگیران او، این جامعه عظیم به متولی خاص و منسجمی نیاز مبرم دارد، مطرح می‌شود:

- وجود افرادی متعهد، باتجربه، دلسوز و معتقد به رسالت در این سازمان فراموش شده و در حاشیه، از همه مهم‌تر حضور افراد غیرسیاسی در رأس این تشکیلات ضرورت کامل دارد.

- تجارب و تحصیلات دانشگاهی تخصصی مطلوب، شخصیت و متانت، اندیشه و آگاهی‌های لازم و حتی پوشش مناسب که محصول چگونگی زندگانی کشوری و تامین حداقل‌های زندگانی شرافتمندانه بدون دغدغه معاش و دارابودن اعتمادبه‌نفس و اعتقاد به روش‌ها برای کارشناسان رابط و هماهنگ‌کننده سیستم‌ها، در پیشبرد اهداف نقش اساسی دارد.

- در ماده ۱۰۷ قانون استخدام کشوری مصوب سال ۱۳۴۵ در رأس سازمان امور اداری کشور ثبات مدیریت را دست‌کم به مدت پنج سال تکلیف و بر منتخصص‌بودن واقعی فرد منصوب تاکید فراوان داشته است.

- در رأس این سازمان و ناظر بر رئیس که بدین کار نامیده می‌شد، شورایی مرکب از پنج نفر افراد متخصص بین علم اجرا از شاغل یا بازنشسته با دست‌کم ۱۲ سال سابقه در مدیریت‌های کلان مبتنی بر صلاحیت‌های اصولی برآمده از شواهد و شرایط احراز وظایف، وجود داشته که تخصص‌بودن و اهمیت وظایف و نقش سازمان را گواهی می‌دهد.

- اشاره به این نکته ضروری است که آقای انصاری، رئیس منصوبی اخیر، در زمان ریاست آقای باقریان بر سازمان امور اداری در دولت اصلاحات، معاون ایشان بوده و از مدافعان ادغام این سازمان هماهنگ‌کننده به شمار می‌رود.

- توسعه بی‌رویه اختیارات و تشکیلات موازی سازمان‌های وابسته به دولت الزاما بایستی متوقف و تدریجا کاهش یابد. راهکار دوم اتخاذ مانع توسعه و پیشرفت قشوران نیست. در تحقیقات، منابع دولت دانشگاه‌ای و از همه جالب‌تر در کنجینه این سازمان حتی دوباره یافته و کتابخانه‌های معتبر درون کشور که از آسیب مصون مانده در دسترس است و آغازی دوباره لازم نیست که شواهد خلاف آن را نشان می‌دهد، انکار که کشفی تازه و مقوله جدیدی در این وادی نازل شد است.

- نفوذ مراکز تصمیم‌گیری موازی با نیت‌های خاص سیاسی- اجتماعی هدف‌دار که در برهه‌های خاص تشدید می‌یابد در این رسالت ارزنده، مزید بر علت نشود.

- اختصاص بودجه‌های کلان به تشکیلات مزاحم امکان انتصاب افراد را در جایگاه مؤثر و ایجاد انگیزه در اصلاح و کنترل واقعی امور به دلیل مشاهده مغایرت‌ها کاهش می‌دهد.

- برای اصلاح سیستم ارزش‌یابی، نظارت و کنترل، یاسخگویی و ایجاد انگیزه در نیروی انسانی در اختیار، حذف سیستم مانده رانتی از همه لحاظ ضروری است.

- جلوگیری از کمک‌های بی‌مورد و منع حمایت‌های رانتی متداول و قرارگرفتن هر چیز در جای خود، (به فرمایش حضرت علی(ع) در تعریف عدل و عدالت) به نابسامانی‌ها خاتمه خواهد داد. در غیر این‌صورت داستان همیشگی چه کنم، استمرار و روزمرگی‌ها ادامه خواهد داشت که بنیان راستی و درستی را سست و کرده است.

- ناکافی‌بودن درآمد نیروی انسانی با حقوق‌های اندک در همه بخش‌ها در مقایسه با بذل و بخشش‌های خارج از اصول، مشکلی مهم است و ریشه نارسایی‌ها و کارشکنی‌های آشکار و پنهان به شمار می‌رود.

- ضرورت کنترل مستمر نامحسوب میزان اختیارات، در مقابل مسئولیت‌ها و چگونگی یاسخ‌گویی در همه ابعاد، بسیار مهم به نظر می‌رسد که در صورت وقوع‌نشدن آن به هر دلیلی، در بر همین باشنه خواهد چرخید و داستان مکرر دلبر جانان من ادامه می‌یابد.

- گسترده‌گی کارشناسان واقعا خبره و مستقل از میان نیروی در اختیار دستگاه‌های دولتی و بدون هزینه متضاعف، به راحتی امکان‌پذیر است و ورود به این سازمان مرشد و هماهنگ‌کننده نیایستی با هجوم متقاضیان فرصت‌طلب و حامیان آنها که عادتی مرسوم شده، مواجه شود.

- مفاد قانون استخدام کشوری مصوب ۵۰ سال قبل، به این مهم و رسالت که بنیاد اصلاح مدیریت کلان حکومت است، اندیشیده و دوراندیشی آن‌زمان مثال کویایی است.

- قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۴۵ که نارسایی‌های آن مشخص و مدون شده، با مسودشدن زمان‌های تفسیر به رأی، هرچه زودتر قطعیت یابد.

به پناه خدا برویم

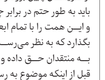

حسین انصاری‌راد

نماینده ادوار مجلس

مذاکرات هسته‌ای قبل از دولت آقای روحانی با تأیید مقام رهبری شروع شده بود. بعد از دولت روحانی با عنوان نرمش قهرمانانه و مدیریت مدبرانه آقای ظریف، شکل جدی‌تری یافت و سیاست تعامل با جهان عامل شکل محققی پیدا کرد. مخالفت‌های طیف خاص جناح اصولگرا کارساز نشد و مذاکرات با حمایت رهبری به سرانجام رسید و در مجلس نهم نیز با صاحب‌های تصویب شد. مخالفت شدید اسرائیل و تندروهای کنگره آمریکا و فعالیت شدید و علنی عربستان که همراه با عملکرد مخالفان دولت در ایران بود، نیز شکست خورد. برنسی که تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های سازمان ملل برای اقتصاد ایران ایجاد کرده بود و طرح انزوای ایران با قطع‌نامه جدید و لغو شش قطع‌نامه پیشین سازمان ملل و رفع تحریم‌های اروپا و آمریکا منتفی شد و فروش نفت ایران و برگشت پول آن - که از مظاهر مهم تحریم به حساب می‌آمد- تقریبا به روال قبل از تحریم‌ها برگشت. هجوم اروپایی‌ها برای بررسی شرایط تجارت با ایران چشمگیر شد. انتقال می‌رفت ادبیات ظریف دعوا تبدیل به تغییر تعبیر کرده، اما تهدیدهای کنگره آمریکا برای تحریم‌های جدید و گاه تهدید برخی چهره‌های جناح جبهوی‌خواه و نیز زبان لعن و نفرت در بین برخی جریان‌ها در ایران، تا حد زیادی فضا را تیره کرد. به‌هرحال، ایران به همه شرایط قرارداد برجام عمل کرد و انتظار این بود طرف مقابل نیز شرایط را برای تجارت و معاهدات با ایران باز کند اما بانک‌های بزرگ دنیا حسب آنچه گفته می‌شد، از ریسک معامله با ایران و ترس تحریم دوباره آمریکا خودداری کردند و رفع تحریم‌ها در امکان مالی و کوتاه به صورت وسیع جناب‌گونه انتظار می‌رفت، جامعه‌عمل نپوشید (درنهایت رفع کامل تحریم محقق شود). پس از آن بود که زبان ملامت و انتقاد و سرزنش جریان خاص در ایران تندتر شد و جناح‌که برخی از دولتمردان گفتند، برای شکست دولت و کارشکنی در برابر سیاست‌های دولت «اتاق فکر» تشکیل داده و سازمان‌ها وارد شدند. به‌تازگی مسئله حقوق‌های غیرمتعارف به عنوان یک مستمسک مؤثر مطرح شد و هجوم به دولت، افکار عمومی را در برابر حقوق و درآمدهای چندین دهمیلیونی تحریک و دولت را مورد سؤال و پرسش قرار داد. حقیقت این است در کشوری که چند میلیون بی‌کار دارد که بسیاری از آنان دارای تحصیلات و تحصیلات عالیه هستند، خط فقر در حدود ۲.۵ میلیون تومان است، کارگران کمتر از یک میلیون حقوق دریافت می‌کنند، مسئله درمان و بهداشت و حداقل تغذیه بخش درخور توجهی از ملت را رنج می‌دهد و دولتمردان و دلسوزان به‌سختی در فشارند. دریافت ۵۰ میلیون حقوق ماهانه و در مواردی صد و ۲۰۰ میلیون - که با استفاده از فرصت‌های خاصی ازجمله وام قرض‌الحسنه محقق شده- هرگز با عدالت سازگار نیست. مدیران مسلمان مسئول در شرایط خاص کشور هرچند به شکل قانونی، نباید چنین مبالغی از گلویشان پایین برود و دولت هرگز نباید آن را تحمل کند. دولت باید به طور حتم در برابر چنین امری شفاف و دقیق موضع بگیرد و اینجا است که با تمام ابعاد و در کمال شهامت با ملت در میان بگذارد که به نظر می‌رسد دولت تا حدی چنین کرده است. دولت به منتقدان حق داده و عذرخواهی کرد و به این موضوع حتی قول از اینکه موضوع به رسانه‌ها بکشد، پرداخته است. (توضیحات وزیر اقتصاد آقای طیب‌نیا در این جهت قابل توجه است؛ اعتماد ۹۵/۵/۳ ص ۵). اما این سؤال از کسانی که این توفان تبلیغات علیه دولت را به راه انداخته‌اند، وجود دارد که در هشت سال دولت آقای احمدی‌نژاد و ۱۲ سال مجلس در اختیار اصولگرایان، در برابر تخریب و تضییع اقتصاد، فرهنگ، قانون، علم و سیاست خارجی که موجب این تحریم‌ها شد، چه اقدامی انجام دادید؟ آقای احمدی